

ده و روستانشینی در دنیا

(۲)

سخن برسر شکل سکونت بود. در ایران نیز دو گونه ده دیده می شود یکی آنها که صورت متمرکز دارد و دیگری آنها که از خانه های پراکنده ساخته شده است. در فلات خشک ایران که اکثر ماههای سال، لب تشنه زمین به جرعه بارانی آشنا نمی شود وجود آب (فناات - چشمه - رود) عامل بسیار مهمی در تجمع مردمان بوده است و مطابقت نقشه تراکم جمعیت با نقشه میزان ریزش باران بر این حقیقت گواهی می دهد مثلاً کیلان و آذربایجان شرقی که هر سال بطور متوسط به ترتیب از ۹۷۰ و ۳۸۰ میلی متر بارندگی فیض می گیرند پس از استان طهران که به عللی دیگر جمعیتی متراکم دارد ابوه ترین جمعیت را در آغوش خود پذیرفته اند. در چنین سرزمین هایی غالباً دهات صورت متفرق دارد و خصوصاً آنجا که خرده مالکی غالب است و سلطه و مراقبت دائم ارباب بر رعایا ضرورت نمی یابد این شکل سکونت به چشم می رسد به عکس در باره نجد مرکزی بطور کلی می توان گفت که در آنجا پراثر کم آبی بیشتر خانه ها دور یا نزدیک حلقه چاهی یا مظهر قناتی کرده امده است. حاصل کلام آن که عوامل طبیعی و خصوصاً آب نه فقط در انتخاب مقر آبادیها در کار بوده است بلکه در تعیین شکل آنها نیز تأثیر ژرف داشته.

در ایران قسمت بالنسبه مهمی از جمعیت به صورت نیمه کوچ نشینی زندگی می کنند. ایلات و عشایر تقریباً نیم از سال را در سیر و حرکت از بیلاق به فشلاق و به عکس می گذرانند و نیم دیگر را در دهائی که بر مبداء و منتهای خط سیرایشان قرار دارد رحل اقامت می افکنند وجود آب و مربع عامل اساسی در تعیین سکونت گاه ایشان است و معیشت آنان که بیشتر بر دامپروری پایه گذاری شده است بی آن مقصور نمی شود. ایلات و عشایر ایران علاوه از پرورش اغنام واحشام که شغل عمده ایشان است به کشاورزی و احیاناً پیشه و کسب و صنعت دستی نیز می پردازند پیش از آنکه سردسیر را ترک گویند و به گرمسیر روی آورند زمین را در پائیز با ابزارهایی ساده و ابتدائی شخم می زنند و بذر می افشانند و وقتی که بهار دیگر به همان آبادی باز آمدند کشت خود را مواظبت می کنند و آب می دهند و قبل از عزیمت محصول برمی دارند.

از بررسی اجتماعی و اقتصادی « ایتالکنسولت » در بلوچستان و سیستان و قسمتی از کرمان برمی آید ۱ که گذشته از شهرهای بزرگ و کوچک در آن ایالت ها ،

1 - Jtalconsult :

Socio - economic Development Plan for the South - Eastern Region , Preliminary Report Socio - economic Survey , vol. 2 , Rome 1959 .

چهار نوع سکونت گاه به چشم می خورد . همین حکم را به پارهای از ایالات ایران از جمله خوزستان می توان تعمیم داد و در آن ها نیز همین انواع را می توان با قوت و ضعف کم و بیش سراغ گرفت نوع اول دهات کشاورزی پایدار است که قرارگاه اساسی انسانها در سراسر خاک ایران می باشد و بیشتر ساکنان آن ها به کشت و زرع اشتغال دارند و فعالیت های غیر کشاورزی تقریباً ناچیز است و خود نحوه کار کشاورزان که هر یک قطعه کوچکی از زمین به اختیار دارند و در آن با ادوات کهن به کشتی سطحی قناعت می نمایند مستلزم سکونت به صورت متراکم است در ده مجتمع ، می توان آسان تر بر کار کشت و حال مزارع مراقبت نمود و از خدمات اجتماعی چون مدد میر آبی که آب از رودخانه دور دست می آورد یا پیله وری که قماش و قند و چای برای فروش عرضه می کند بهره گرفت . علاوه بر این بستگی حیات و کشاورزی به چاه آب یا قناتی که در مبدی یا مرکز ده قرار دارد تجمع روستا نشینان را ایجاب می کند . بی شبهه در گذشته نا ایمنی سیاسی و نظامی عامل مهمی در فراهم شدن و به صورت انبوه زیستن بوده . نشانه آن ده های قلعه ای است که گذشته از دیوار های بلند ، برج هایی نیز برای دیده بانی دارد و غالباً بر بالای دروازه ده اطافکی هست که در آن سابقاً مالک یا مباشر او یا مأموری از آنان مراقب بوده اند . وقتی هم که ضرورت دفاع از میان رفت صورت مجتمع دهات باقی ماند و حتی در بسیاری نقاط برج و باروی دهها پابدا می نمود و این بار خشکی محیط طبیعی و شرایط خاص آن و نیاز مردم به چاه یا قناتی که هم آب مشروب و هم مایه کشت و زرع ایشان را در دسترس می گذاشت تراکم ده را حفظ کرد . چهره درونی این ده ها را بدین شرح می توان توصیف کرد : در مرکز ده مسجد و خانه کدخدا یا توانگرترین فرد ده یا مالک قرارداد، از این مرکز اشعه « شکسته ای » چون ریشه های پریشان درخت به اطراف چسته است و خود اعوجاج این کوچه ها محافظتی در برابر بادهای تند صحرائی است ، خانه های گلی و خشتی روستائیان در این کوچه ها واقع است . هر چه به حدود ده نزدیک می شویم خانه ها فقیر تر می شود و از مصالحی ناپایدار تر ساخته شده است و کوئسی مرحله ای انتقالی و واسطه ای بین چادر چوپانان و خانه نسبتاً خوب مرکز ده را نشان می دهد. بر کرده که محل سکونت مردمان است مزارع و باغها و سپس زمین های بائر و احیاناً جنگل قرار گرفته است . چون زمین ها به صورت آیش کشت می شود و هر سال قطعه تازه ای تحت زراعت می آید سکونت پراکنده چنانکه در مزارع خرده مالکان اروپائی و امریکائی به چشم می رسد در آنجا میسور نیست .

نوع دوم سکونت گاه ها آنهاست که شکل « واحه » دارد و خود به دو صورت متراکم و متفرق دیده می شود . واحد هائی که آب بیشتر دارد و زمین آن به کار پرورش درختان میوه و نخل می رود غالباً از خانه های پراکنده تر کیب شده است اما واحه های کم آب که همکاری جمعی را برای تهیه آب و آبیاری مستلزم است به شکل متراکم پدیدار است . این واحه ها از چند جهت با ده های کشاورزی تفاوت دارد یکی از آن رو که واحه تنها به منظور اکثر استفاده از زمین و منابع طبیعی به وجود آمده و ملاحظات دفاعی

در ایجاد آن کارگر نبوده است، و دیگر از این جهت که در دهکده، افراد غیر کشاورز هرچند به نسبت ناچیز هستند اما وجود دارند اما در واحه کاری غیر از باغداری و کشاورزی دیده نمی شود. وجود درختان خرما در این منطقه از ایران سیمای واحه را مشخص می کند و شاخه های مخصوص همین درختان است که در ساختمان ها مصرف می شود. بعضی از واحه ها در دل دشت و بعضی در پای تپه ها و درون دره ها قرار دارد و از این رو نمای آن غالباً با چهره دهات جلگه نشین که اکثریت روستاهای ایران را تشکیل می دهد متفاوت است. در موارد بسیار گروه هائی از چوپانان چادر نشین در اطراف واحه در حوالی آب و چراگاه اقامت می گیرند و روابط نزدیک و حیات مشترکی با کشاورزان برقرار می کنند. نقصان یا فقدان آب چراغ زندگی را که در واحه فروزان بود خاموش می کند و جمع خلائق را پراکنده می گرداند.

نوع سوم آبادی ها مرکب از خانه هائی است که تاحدی باهم فاصله دارد و با محل کشت مربوط است و ازدور به خرده مالک نشین های غربی شباهت دارد. هر کجا آب کافی باشد باغی از درخت های متنوع و سبزی کاری پدید می آید و برای حفظ آن دیواری بلند گرداگرد می کشند. خانه ها پشت به دیوار ساخته شده و زمین مخصوص کشت پیرامون آنها قرار گرفته است. در مقابل باغ حیاطی است و اطاق های بهم چسبیده کوچکی مخصوص کارگران مزدور کشاورز با گل و خشت بر گرد آن بنا شده است. از این جا معلوم می شود که در این گونه ده، طرز سکونت پراکنده و مجتمع باهم به نوعی ترکیب شده است.

محققان ابطال کنسولت از نوع چهارمی هم یاد کرده اند که اقامتگاه موقت ایلات نیمه کوچ نشین یعنی اردو گاه باشد پارامی از گروه های خانه به دوش جز به دامپروری نمی پردازند و از پی اغنام و احشام خود در مسیر معین حرکت می کنند به اقتضای فصل از جایی به جای دیگر در طلب آب و مراتع می روند.

اما پارامی دیگر چنانکه پیش از این اشاره شده است معیشتی مختلط از پرورش حیوانات و کشت و زرع دارند و حتی بعضی از آنها در حوالی دهات یا واحه ها و مزارع منفرد مجزی سکنی گزیده اند و افرادی از خود را به راهنمایی کله های خویش به سوی چراگاه های بهتر می گمارند. ایلات و عشائر غالب اوقات را در چادرها به سر می برند. چادرهای آنان به اشکال مختلف است بعضی مدور و با سقف گنبدی و بعضی به شکل هرم و پارامی شبیه اطانی با سقف مسطح یا نوك نیز است و پوشش آن در نقاط و نژاد طوائف مختلف فرق می کند اثاث و توشه کوچ نشینان در چند «مفرش» حمل و نقل می شود و این مفرش ها تنها مبل درون خیمه ایشان را تشکیل می دهد.

در خوزستان آبادیهای ناپایدار و خصوصاً نیمه پایدار را می توان سراغ گرفت.

۱- این گونه تقسیم کار در میان خود افراد ایلات مثلا نزد شامسون ها در دشت مغان

مشاهده می شود (رک. بررسی های بسینیه Besseignet از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - ۱۳۳۹)

نایابدار آنهاست که هر سال جابه نقطه سکوتی دیگر می سپرد و نیمه پایدار آنهاست که وقتی منابعش به پایان رسید از سکنه تهی می شود و مردم از آنجا به جایی دیگر که برکت بیشتر دارد کوچ می کنند. در این مقاله، دبد گاه بیشتر دههای پایدار است که جامعه‌های روستائی را جاودانه منزل می دهد این ده ها گاه در دشت و گاه در کوهستان واقعست. دهات در دشت گاه به وسیله قنات یا چاه آبیاری می شود و در اینجا تمایل بیشتر به سکونت متمرکز است اما وقتی ده از آب باران زندگی می گیرد لزوم تمرکز و تراکم جمعیت کمتر است و شاید وسعتی که در کار کشت دیم در این سالهای اخیر روی نموده در آینده شماره سکونت گاه‌های پراکنده صورت را زیاده‌تر کند. ده‌های کوهستانی و ده‌هایی که میان دره‌ها یا نشیب تپه‌ها جا گرفته گاه بصورت خطی است اما هر گاه شرائط طبیعی اجازه دهد به شکل خانه‌های دور هم آمده است و صورت قلاع کوهستانی یا دهات پلکائی رواج کافی دارد. در نقاطی چون کردستان که امر دفاع در کیفیت تجمع عامل مؤثری بوده است دهات از خانه‌های مجتمع بهم فشرده پدید شده اما درون دره‌های ژرف یا در تنگه‌ها که ورود بدان دشوار باشد و خود موقع طبیعی وسیله محافظت انسانی گردد تمرکز بی ضرورت است و مساکن به وضع پراکنده دیده می شود. در نقاط دیگر مانند اردلان باروری زمین عامل اساسی نوع تجمع است در دره‌های حاصل خیز، خانه‌ها و دهکده‌ها برای صرفه جوئی در مصرف خاک بهم بسیار نزدیک هستند اما در نقاط کوهستانی و جنگل که زمین آن اندازه باروریست به مزارع متفرق بر خورد می شود^۱.

*

از آنچه گفتیم این مطلب دستگیر می شود که در ایران عوامل طبیعی (آب و خاک) - اقتصادی (نوع مالکیت) - سیاسی (امنیت) تأثیر اساسی در تعیین نحوه سکونت داشته‌است. نوع سکونت پراکنده بیشتر در شمال ایران دیده می شود و در آنجا خانه‌های روستائیان میان مزارع متفرق است. در فلات مرکزی و جنوب شرقی بیشتر با نوع متمرکز سکونت است که بعضی در دشت و دره و بعضی بالای تپه و کوه یا در سراشیب آن قرار دارد و به صورت خانه‌های هم طبقه یا پلکائی، درون قلعه یا بدون دیوار پیرامون دیده می شود.

در باره دهات قلعه‌ای، روزنفلد A. Z. Rosenfeld مطالعه جالب توجهی کرده است (۱۹۵۱) دیوارهای کلی بلند بابرجهای استوانه‌ای شکل در زوایا دورادور ده کشیده شده و در بزرگی که محل نگهداری بالای آن قرار دارد تنها مدخل ده را تشکیل می دهد. خانه‌های کلی یک یا دو طبقه بر کرد فضای باز وسط ده قرار دارد و حیوانات را در این حیاط مرکزی یا در طبقات اول ساختمانها جامی دهند. ابعاد قلعه از نقطه‌ای به نقطه دیگر فرق می کند از دو تا صد خانواده را ممکن است یک قلعه در بر بگیرد. دهات قلعه‌ای در فلات ایران و خصوصاً در خراسان فراوان یافت می شود و در سیستان - اصفهان - فارس - خوزستان و شمال غربی کشور نیز بسیار به چشم می خورد و در افغانستان هم مکرراً ملاحظه می شود.

1 - B. Nikitine : Les Kurdes , Paris , 1956 , ch. v , section - 1

در ترکمنستان - ازبکستان و دیگر نواحی آسیای مرکزی هم این گونه معماری روستائی رائج است و بنابراین می توان گفت که قلعه يك شیوه معماری است که ضرورتاً ارتباطی با شرائط طبیعی یا نا ایمنی ندارد و عمومیت آن به صور مختلف در سرزمینهای متعدد گواه این مطلب است در ازبکستان این شیوه ساختمان شاخص مزارع جدا افتاده است در خانان خیوه دهاتی که بازار دارد و تاحدی جنبه شهری حاصل کرده است به آن سیاق بنا شده است در پاره ای نقاط مثلاً در ترکمنستان «قلعه» پناهگاهی موقت برای روستائیان اطراف یا چادرنشینی است که قسمتی از سال را در جای دیگر به سر می برند خلاصه آن که شکل قلعه نوعی معماری است که در موارد گوناگون به کار رفته و از اختصاصات کهنه تمدن ایرانی در فلات آسیای مرکزی و خاور نزدیک است. سوابق آن را هر تسفلد Herzfeld در عهد جدید عصر حجر در حدود تخت جمشید و تولستوف Tolstov در خوارزم، در نیمه دوم هزاره قبل از میلاد باز یافته و نشان داده اند. ده مستحکم یا قلعه وار به شکل مربع را در فرغانه در دوهزارو پانصد سال تا سه هزار سال پیش سراغ می توان گرفت و به روزگار هخامنشیان و هنگام جهانگشائی اسکندر مقدونی نمونه های آنها در ایران فراوان می شد دید. این شیوه ساختمان را گروه هائی مانند سفدیان به دور دست و منجمله آسیای مرکزی و شرقی نقل کردند و ساختمان خانه های امروزی شهری در ایران که حیاطی دارد و در اطرافها به روی آن کشوده است و چهار سوی حیاط را دیوارهای بلند فرا گرفته به نظر روزنفلد یادآور و بازمانده آن طرز قدیم معماری باید دانست. دوام و بقاء این شیوه ساختمان نه از جهت ارزش دفاعی آن است چرا که غالباً دیوارهای قلعه ایرانی قطر مهمی ندارد و از مصالح مقاومی ساخته نشده است بلکه از این جهت است که جزئی از هنر و فرهنگ ایران را تشکیل می داده و در آغاز به نظام خاص اجتماعی این سرزمین که زندگی اشتراکی گروهی و شاید برپایه «ما درسالاری» مبتنی بوده ارتباط داشته است.

به گمان ما سخن روزنفلد درباره رواج شکل قلعه و «چهار دیواری» در ایران باستان و دوام آن در طی زمان بی شبهه درست است اما انکار تأثیر عوامل طبیعی و نظامی چنانکه پیش از این باز نموده شده است روا نمی نماید. خانم لمبتون Lambton در کتاب نفیس خود «مالک و زارع در ایران»^۱ این مطلب را به درستی نشان داده که این شکل ده در فلات گشاده و آن جا که بر سر راهها و در معرض حملات است بیشتر یافت می شود و همین که شکل قلعه در آبادیهای دور افتاده بیش از تجمعات انبوه رائج است دلیل است بر این که اندیشه دفاع از راهزنان و ولگردان در توسل به این طرز معماری تأثیر اشکار داشته است. بر آن چه گفتیم گزایوه دوپلان هول Xaveir de Planhol چنداقتقاد دیگری می افزاید^۲ نخست آن که خاندان پهناور قدیم که مشترکاً در خانه ای وسیع می زیسته فقط شکل مشابه قلعه را برای سکونت اختیار نکرده است و اشکال مختلف سکونت در نقاط گوناگون جهان

۱- ترجمه منوچهر امیری - تهران ۱۳۲۹ - ص ۴۴-۴۶

۲- X. de Planhol: les Vilages fortifiés en Iran et en Asie

Centrale, in Annales de géographie

با این قسم نظام اجتماعی بستگی داشته و به عبارت دیگر لزوماً ارتباطی میان این نظام و آن طرز سکونت وجود نداشته است، و دیگر آن که شیوه خاص معماری که بر کرد حیاط مرکزی مربعی از اطرافها و دیوارهای قابل سکونت می کشد اختصاصی به تمدن ایرانی نداشته و در میان عرب هم شناخته بوده و در باطه های نازبان به همین صورت ساخته می شده است. قلعه را می توان جلومای از فرهنگ مبنی بر شبانی و کله داری دانست در چنین نظامی به پاداشتن ساختمانی محصور که اغنام واحشام را پناه دهد ضروری بوده است و گذشته از آن، لزوم پناهگاهی برای انسانها به هنگام هجوم اقوام و قبائل وحشی یا غارتگر اطراف این گونه بنا را ارزش مخصوصی می بخشد و بی جهت نیست که در اواسط هزاره اول قبل از میلاد چنین معماری پدیدار شده، زیرا در همین زمان است که نحوه ای زندگی جدید که کوچ نشینی جمعی کثیر از سواران که خطری برای مردمان مستقر بودند پیدا شد. و شاید گاهی نیز بر اثر تقلید به سرزمین هایی که معرض اینگونه مهاجمات نبودند با اقتصادی بر پایه چوپانی نداشتند سرایت کرد و اشاعه یافت.^۱

*

شرایط طبیعی و اقلیمی نه فقط بر شکل دهات بلکه بر نوع خانه ها مؤثر است و مصالح ساختمانی و شیوه معماری خانه ها رابطه نزدیکی با آن شرایط دارد. معمولاً در شمال ایران خانه ها از چوب ساخته شده است و سقف آن ها را از شالی (ساقه های خشکیده برنج بهم کوفته) پوشانده اند. خانه بر پایه های چوبی متکی است و بدین نحو از رطوبت زمین محفوظ می ماند پارامی بناها یک طبقه و بعضی دو طبقه دارد و با قسمتی از خانه شامل دو طبقه است پله های چوبی آیندگان را به ایوانی هدایت می کند که تالار می خوانند. انبار مخصوص غلات و برنج (تل انبار) نیز بر پایه های چوبی استوار شده و پایه ها را به نحوی تراشیده اند که موش بر آن بلغزد و بالا نرود. در نقاط دیگر در فلات مرکزی اکثر خانه ها از خشت یا گل است و مصالح دیگر در آن کمتریه کار رفته. بدیهی است که در مناطق کوهستانی خانه های سنگی یافته می شود. غالباً خانه های ده چه درون حصار باشد و چه نباشد بهم چسبیده است با فاصله کوتاهی از هم دارد. اطرافها اکثر اینجوره ندارد و به درستی تهویه نمی شود. پشت بام کلی یا ایوانی چوبی و خشتی برابر اطرافها برای بهار خواب و استراحت فصل تابستان اختصاص دارد. در خانه های فلات مرکزی سقف اطرافها را از برون بانیرهای چوبی که حصیری بر آن کشیده و به کل اندوده کرده پوشانده اند اما از درون تیرها روباز است و دیده می شود. بامها همیشه هموار نیست گاهی سقف مدور و به اصطلاح طاق ضربی دارد. اطرافها اکثراً روبه آفتاب است و به قبله می نکرند و ایوانی در مقابل آنها گسترده شده است. کتاب «تات نشین های بلوک زهرا» توصیف دقیق و روشنی از خانه های روستائی رائج در این قسمت ایران داده است.^۲

جمشید بهنام - شاپور راسخ

۱- مونوگرافی سه دهکده (علی آباد - حسن آباد و عباس آباد در بخش ده فارس بلوک روترفسا) که دانشجوی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی خانم پوران شمس زهرنظر نویسنده گان این مقاله تنظیم کرده (۱۳۳۸) ارزش و اهمیت دفاعی قلعه را در این سه نقطه ثابت کرده حتی باغ اربابی علاوه بر مسکن و طولها به علت نا ایمنی در درون قلعه ایجاد شده است.

۲- از جلال آل احمد - تهران - ۱۳۳۷ - ص ۵۹